

معدوم شدن حسّ ملّی

(این نوشتار به وحی الهی است)

به شکرانهٔ حضور شهریار ولی در میان عالم، ما پروردگار عالم هستی
نوشتاری را برای ایمانداران ایرانی از هر یک از ادیان ابراهیمی تدوین
میکنیم تا بدانند که بودن امامی والامرته چه ارزش و اعتباری دارد.
شهریار ما در شبی که هنوز میلش بر اینست که به دو پدیده ای که برایش
در نظر داریم واصل گردد در دورانی از زندگیش دچار حالتی خاص بود که
در اینجا به شرح آن میپردازیم. تجرید بمعنی انزوا گزیدن و در عین حال
دور بودن از لطف الهی حالتی ست که برخی از ایمانداران بآن دست
میازند با این امید که خود را بما نزدیکتر سازند. بر عکس عزلت گزینی را
در شرایطی که عشق حق در دل موج زند بر همهٔ ایمانداران توصیه میکنیم.
شهریار ولی که نمونه ای برای بشریت و نمایندهٔ تمام عیار ما پروردگار
است در دورانی به عزلت گزینی پرداخت و با اینکار رحمتی پدرا نه را در
قلب اقدس ما پدید آورد تا نامی را که نشاندندهٔ لطف خاص ما در حق او
بود در شبی از شبها به قلبش الهام کردیم. شهریار ما با دانستن اینکه
عنایت ما را دریافت داشته سر به آسمان سائید و برای مدتی کوتاه از حال
عادی خارج شد بترتیبی که از عهدهٔ امور روزمره بر نمیامد. بازگو کردن
این واقعه برای ایمانداران جنبهٔ آموزشی دارد تا بدانند چگونه توقعی از
آنان می رود و اینکه بدست آوردن عنایت ما پروردگار اغلب آسان نیست.
باری اکنون با دانستن اینکه امامی والا یعنی شهریار ولی در میان عالم
است، عشق حق در سپردن دلها به این عزیز یگانه خلاصه میگردد و هر چه
جز این باشد در این حیطه واقع نمیشود. با این مقدمه میل داریم به این
بپردازیم که از زمانی که ملایی بی وطن بنام خمینی از کشور عراق و
سپس فرانسه قدم بر خاک ایران گذاشت، تمام تلاش و بهتر گوئیم
مأموریتی که داشت بر این بود که نه تنها عشق حق بلکه حس وطن
دوستی و ملی گرایی را در دل های ایرانیان معدوم و نابود کند. ایرانیانی که
بواقع به روحانی بودن خمینی باور داشتند پیرو او گردیدند و برای به
کرسی نشاندن این نیت دست بکار شدند. ملایان نیز با توجه به آراء غیر
ملی و بیوطنانه ای که در وجودشان نهاده شده است پی این طرح را گرفتند و
در جای جای کشور افراد ملی گرا را شناسایی و بهر ترتیب که میتوانستند

آنان را کنار زدند. همهٔ ظواهر ملی گرایانه را در کتابهای درسی از
کودکستان گرفته تا مراتب بالاتر از بین بردند، به بزرگان و مشاهیر
فرهنگی ایران انگ بی دانشی زدند و آثار فرهنگی و باستانی را که در
دلهای این ملت جا داشتند به زوال کشانده اگر امکانش بود تخریب کردند.
حال بدست فرزندان شهریار ولی آنچه را که از دست رفته به این ملت باز
میگردانیم. شهریار ما در ضمن اینکه خدایگانی یکتاست در وطن دوستی و
ملی گرایی نیز رهبری نمونه و برای ایرانیان بازگردانندهٔ عزت و اعتبار
آنهاست. عشق شهریار ما را در دل گذارید و اینرا زمینه و خمیرمایهٔ ایمان
به ما پروردگار دانید. پرتوی که به فرزندان شهریار ولی داده ایم صدها
خورشید را به افول میکشاند، پس در جای دیگر بدنبال نور نباشید. عالم
اینرا بداند...